

آن نگاه باید داشت که در حضرت که صوفی در سفر در حضر است یکی از علمای آن و شیخ
الاسلام گفت که پیدم من آمدت پنج سال هژد و پیش او نیکه پیری بود از مشهور
مروی در ستادانوی بیگ فایده داره که روزی گفت تا این علوی گری یعنی از شیخ
و ترقی نسبت بکلی بیاید از یک یعنی از صوفی بوی بیاید شیخ الاسلام
گفت چنانست که او گفت آنکه با او بگوید و با سازد صوفی اوشت و اگر نه انقب
چیزی نباید پرسید گفت هزار و دویست امام شناسم ازین طایفه یکی و نیم علویت
شناستم یکی برهیم سعدعلوی صاحب کرامات و دیگری چمره علوی ابو سعید
خران قدس الله تعالی سره انطقه ثانیه است نام وی احمد بن علی است
و لقب وی خزان و یقال له قمر الصوفیه و گفته اند که وی روزی خرموزه
میکرد و با زوی کشاد گفتند باین جهت گفت نفس خود را مشغول و کند پیش از آنکه
را مشغول کند وی بغدادی الاصل است و در محبت صوفیان بمصر شده و در
مکه محاور بوده از ائمه قوم واجد له مشایخ است یکنه و بی نظیر بشاگرد محمد
منصور طوسی است و باذوالقول مضری و ابو سعید پیری و سری سقسطی و پیش
حافی و غیر ایشان صحبت داشته گفته اند وی بپسین کسی است که در غلاف و با
سخن گفت شیخ الاسلام گفت که وی خولیتش را بشاگردی چند نفری خود اما با آنکه
جنید بود از بان و قران وی است لیکن وی را وی است پیش از وی گرفته در
سنه ست و ثمانین و مائین و قبل از آنی قسماها و قسماها

۱- حضرت ابو سعید
۲- حضرت ابو سعید
۳- حضرت ابو سعید
۴- حضرت ابو سعید
۵- حضرت ابو سعید
۶- حضرت ابو سعید
۷- حضرت ابو سعید
۸- حضرت ابو سعید
۹- حضرت ابو سعید
۱۰- حضرت ابو سعید

فی تاریخ الامام عبدالله الیافعی رحمه الله تعالی جنید گفته لوطا لب الله تعالی
لحقیقه ما علیه ابو سعید الخدری لکنا و سئل عن لوی هذه الحکمة
عن ابي جعفر الخدری کان حاله قال اقامه کذا و کذا سنه یخبر ما فاته الخدری بن خدریان
خران گوید که در احوال او در آن وقت سخت و محظوظ بود و وقت خود میکرد و روزی پرسید
دلمه میریتم انقضای من و آنچه می بردم خود را از انقضای آن و چه چیزی را
انظر آن نگاه داشتیم بسوی من می آمد تا من نزدیک شد دیدم که دو شیخ عظیم
بدو شهای من بالا آمدند من با ایشان نظر کردم نه در وقت آمدن و نه در وقت
فرو آمدن شیخ الاسلام گفت آنکه میگوید که با زید سید اعرافین است سید
عابدین خوانست سخاوت و تقی و اگر از آرمیان میگوید احمد بن علی الله علیه
و آله و سلم و اگر ازین طایفه ابو سعید خزان مرعش گوید همه خلقی و بال اند خزان
چون دجتری از حقایق سخن گوید شیخ الاسلام گفته آن مشایخ همگی یک مدتی
نشناستند در علم توحید همه بروی و بالند واسطی و همه فارسی نسی بقید
و غیر ایشان و هم وی گفته که نزدیک است که خزان بجمع بودی از بزرگی خویش امام
ابن کاب و است و هم وی گفته که در بوس سعید خزان کسکی از وی با نیست که
کسی او بنسواند رفت و در واسطی از یک کی رحمت ددی با نیست که وی عملی بود
و هم وی گفته که خزان با نیست که فوفی او نیست و هم وی گفته که خزان گوید
یعنی قول حق سجاد مرعشی است
آنگاه اول کتاب قبولت کرد وی فراموش کند و آخر یافت و هم شیخ الاسلام گوید

۱- حضرت ابو سعید
۲- حضرت ابو سعید
۳- حضرت ابو سعید
۴- حضرت ابو سعید
۵- حضرت ابو سعید
۶- حضرت ابو سعید
۷- حضرت ابو سعید
۸- حضرت ابو سعید
۹- حضرت ابو سعید
۱۰- حضرت ابو سعید
۱۱- حضرت ابو سعید
۱۲- حضرت ابو سعید
۱۳- حضرت ابو سعید
۱۴- حضرت ابو سعید
۱۵- حضرت ابو سعید
۱۶- حضرت ابو سعید
۱۷- حضرت ابو سعید
۱۸- حضرت ابو سعید
۱۹- حضرت ابو سعید
۲۰- حضرت ابو سعید